

پادشاه

آدینه (ناپیدشید) اول امرداد ۲۵۴۹

۲۳- جولای ۲۰۱۰

امیر فیض حقوقدان

بیشتر قدرش شود معلوم در نزد ملل
هر چه بر عمر جهان افزوده کرد ماه و سال

امرداد ماه در تاریخ سیاسی وطن ما، روزهای غم افزا و دردناکی را با خود داشته است. در روزهای چهارم و پنجم آن ماه ستارگانی غروب کردند که بر تارک وطن ما امید رخشیدند و از درخشش آنها امنیت و آسایش، رفاه اقتصادی و سر بلندی و ترقی نصیب ایران و ملت ایران می گردید.

امروز، مردم جهان به خوبی درک می کنند، که ستارگانی که غروب کردند بر تو امنیت و آسایش را نه تنها به کشور خودشان که به تمام جهان می تابیدند.

رفت آنکه داشت کار جهانی قرار از او رفت آنکه بود خانه ملک استوار از او

نفرت بر مباد که فرق بین خوب و بد را نگذاشتیم و حالیه هم نمیکذاریم و هنوز آن روزهای پرافتخار گذشته را، روزهای خواری و آن
اختران تابناک را به استهزای کشیم.

«پارسیان را عقیده بر این است که نمک به حرمان و ناسپاسان مردمانی هستند که حتماً بنده خدا، پدر و مادر و میهن و دوستان خود نیستند،
ایرانیان قدیم ناسپاسی را قرین، میشرمی می دانستند و همین عیب بزرگ اخلاقی است که انسان را به تمام بدی ها و پستی های کشاند.»
(از کز نفون حکیم و سردار مشهور یونانی)

آنچه این مردم ناسپاس، مردم کم کار و پر مدعا، مردم بی انصاف و خودخواه با شاهنشاه ایران کردند، تا جایی که به جابجایی دیو و فرشته شعار
دادند، در معنی دعوت از غم و جنگ، وحشت و فقر بود و چنین علی در تاریخ جهان از بیچ ملت و مردمی دیده نشده است.

باب پوستو، خبر نگار تلویزیون سی-و-ان، پس از بازدید از ایران نوشت:

«مردم ایران که زمانی در دوره حکومت شاه اکثرشان شاد و خندان بودند حالا فراموش کرده اند که چطور می شود خندید»

چنین تضاد و دمانگی درباره بیچ ملتی در تاریخ دیده نمی شود.

آری ممکن است مردمی در اثر گرفتاری‌هایی که از خارج تحمیل آنها می‌شود، بروزگاری برسند که غم و اندوهی جایگزین شادی آنها بشود. ولی محال و ممنوع است که مردمی خودشان وسیله بشوند در جهت منافع و سیاست‌های کشورهای بیگانه، دست به تطاهرات و اقداماتی بزنند تا بروزگاری برسند که تاخزیدن را هم فراموش کنند.

درک «باب پوستو» ناشی از احساسات شخصی او نیست نویسندگان بسیاری برداشت‌های او را با قلم شعر و تفسیر بازگو کرده‌اند.

ایمان و عنبر و روضه و شوکت مسارفت
ای شاه، پس از رحمت تو حرمت مسارفت

از چهره تبسم و زدل شادی مسارفت
امنیت و آسایش و آزادی مسارفت

هر کوچه عزاحانه به هر شهر فغانی است
هر خانه عزای عزیز و جوانی است

اینگ، همگان راحت دوران تو بچینند
مردم همه نادم شده از مهر تو گویند

قدر تو فزون تر شده اند دل مردم
هر سخط که بگذشت از آن موج تلاطم

«لنگری»

یادشاهشاه آریامهر و رضاشاه کبیر، گرامی و عزیزان فزون باد که در راه مهربان ایران و ملت ایران کوشیدند و عظمت و سربلندی و رفاه را به ملت ایرانی ارزانی داشتند.